

تحلیل تطبیقی و انتقادی شخصیت الکترونیکی هوش مصنوعی و تأثیر آن بر مسئولیت انسانی

پوهنیار دکتور کبیر آریائی^۱

<https://orcid.org/0009-0004-0668-8843>

پوهنیار شیر محمد انوری^۲

DOI: 10.64104/V11.Issue20.No2.Fall.2026

چکیده

با گسترش خودمختاری هوش مصنوعی، تعیین مسئولیت مدنی ناشی از عملکرد آن را با چالش جدی مواجه ساخته است. خلأ اصلی پژوهش، نبود چارچوب تحلیلی منسجم برای ارزیابی کفایت شخصیت الکترونیکی در حل مسئله مسئولیت و سنجش پیامدهای آن برای پاسخ‌گویی انسانی است. این پژوهش با روش حقوقی دکترینال و رویکرد تطبیقی، نظام‌های حقوقی اتحادیه اروپا، ایالات متحده آمریکا، انگلستان، چین و ایران را بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که اعطای شخصیت الکترونیکی، بدون استقلال مالی واقعی و سازوکار مؤثر جبران خسارت، لزوماً حمایت از زیان‌دیدگان را تضمین نمی‌کند و ممکن است با انتقال ظاهری مسئولیت به هوش مصنوعی، پاسخ‌گویی اشخاص انسانی را تضعیف و خلأ مسئولیت را تشدید کند. بررسی تطبیقی همچنین نشان می‌دهد که قانون هوش مصنوعی اتحادیه اروپا مصوب ۲۰۲۴، شخصیت الکترونیکی را به‌عنوان جایگاه حقوقی مستقل به رسمیت نشناخته و بر نظارت انسانی تأکید دارد. بر پایه تحلیل حقوقی، پژوهش نتیجه می‌گیرد که در شرایط کنونی، حفظ مسئولیت انسانی و تعیین آن بر اساس نقش، میزان کنترل، قابلیت پیش‌بینی خطر و توانایی پیشگیری از خسارت، در مقایسه با اعطای شخصیت الکترونیکی، چارچوب مناسب‌تری برای حمایت از زیان‌دیدگان فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی: شخصیت الکترونیکی، شخصیت حقوقی، مسئولیت مدنی، مسئولیت انسانی، شکاف مسئولیتی.

^۱. استاد پوهنهی حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون البیرونی، ۰۷۸۴۴۶۹۷۶۹، 11SAER99.KH@GMAIL.COM

^۲. استاد شرعیات، پوهنتون البیرونی، ۰۷۴۸۹۷۴۷۶۰، abualalanwaree@gmail.com

بیان مسئله

هوش مصنوعی در سال‌های اخیر از قلمرو یک مفهوم علمی-تخیلی فراتر رفته و به یکی از مؤلفه‌های مهم زندگی اجتماعی، اقتصادی و حقوقی انسان‌ها مبدل شده است. امروزه سیستم‌های هوشمند از سیستم وسایل حمل و نقل تا موتورهای جست‌وجوی اینترنتی، از تلفن‌های همراه تا دفاتر و خانه‌های هوشمند در بسیاری از عرصه‌ها حضور دارد و پیش‌بینی می‌شود دامنه نفوذ آنها به‌طور تصاعدی گسترش یابد. این توسعه در حالی است که برخی سیستم‌های هوش مصنوعی می‌توانند در شرایطی پیچیده، داده‌های محیطی را تحلیل کرده و بدون دخالت مستقیم انسان تصمیم‌هایی اتخاذ کنند. از این‌رو، افزایش استقلال و پیچیدگی این فناوری‌ها، مفاهیم سنتی حقوق، به‌ویژه مفهوم شخصیت؛ و بالتبع آن مسئولیت و انتساب فعل مضر را با سوالات جدیدی مواجه ساخته است.

مسئله اساسی آن است که در حقوق سنتی، شخصیت اصولاً به دو نوع حقیقی و حقوقی بود که هر کدام دارای جایگاه حقوقی مشخص بوده و بتوان فعل یا ترک فعل زیان‌بار را به او نسبت داد؛ درحالی‌که در مورد وسایل مجهز با هوش مصنوعی خودمختار، ممکن است تصمیم نهایی حاصل مجموعه‌ای از عوامل، از جمله طراحی الگوریتم، داده‌های آموزشی، توسعه نرم‌افزار، مالکیت، بهره‌برداری و فرایند یادگیری سیستم باشد و نتوان منشأ زیان را به‌سادگی به یک شخص انسانی معین نسبت داد. پارلمان اروپا نیز در قطعنامه ۱۶ فبروری سال ۲۰۱۷ م، با اشاره به افزایش خودمختاری ربات‌های مجهز با هوش مصنوعی، تصریح کرد که هرچه ربات‌ها خودمختارتر شوند، دشوارتر می‌توان آنها را صرفاً ابزار ساده در دست تولیدکننده، مالک، اپراتور یا کاربر دانست و همین امر نیاز بازنگری در قواعد حقوقی مرتبط با مسئولیت را مطرح می‌کند (European Parliament, 2017b, paras. AA-AD).

در چنین شرایطی، یکی از راه‌حل‌های مطرح‌شده، ایجاد یک وضعیت حقوقی خاص برای هوش مصنوعی و پیشرفته‌ترین ربات‌های خودمختار است. پارلمان اروپا در قطعنامه سال ۲۰۱۷ م از کمیسیون خواست تا در درازمدت، پیامدهای ایجاد یک وضعیت حقوقی خاص برای ربات‌ها را بررسی کند؛ از جمله این احتمال که پیشرفته‌ترین ربات‌های خودمختار دارای «شخصیت الکترونیکی» تلقی شوند تا در مواردی که موجب خسارت می‌شوند، چگونه‌گی مسئولیت و جبران خسارت روشن‌تر گردد (European Parliament, 2017b). بنابراین، «شخصیت الکترونیکی» در این مرحله صرفاً یک پیشنهاد سیاست‌گذاری و حقوقی بود.

با وجود این، اعطای شخصیت به هوش مصنوعی خود به‌تنهایی مسئله مسئولیت را حل نمی‌کند؛ بلکه پرسش مهم‌تری را ایجاد می‌نماید: آیا شناسایی هوش مصنوعی به‌عنوان شخص می‌تواند به جای حل مشکل انتساب مسئولیت، موجب انتقال یا تضعیف مسئولیت اشخاص انسانی شود؟ و یا به عبارت دیگر، آیا ایجاد شخصیت الکترونیکی برای هوش مصنوعی راهکاری واقعی برای حل مسئله مسئولیت است یا ممکن است به ابزاری برای کاهش یا پراکنده کردن مسئولیت انسانی تبدیل شود؟ اگر یک سامانه هوش مصنوعی شخصیت مستقل داشته باشد، در صورت ورود خسارت، مسئولیت نهایی بر عهده چه کسی خواهد بود: تولیدکننده، برنامه‌نویس، مالک، بهره‌بردار، کاربر، شرکت بیمه یا خود سامانه هوش مصنوعی؟ به‌ویژه، اگر هوش مصنوعی دارای مستقل نداشته باشد یا دارای مستقل آن برای جبران خسارت کافی نباشد، اعطای شخصیت الکترونیکی چه فایده‌ای برای زیان‌دیده خواهد داشت؟

از سوی دیگر، منتقدان شخصیت الکترونیکی هشدار داده‌اند که چنین رویکردی ممکن است موجب ایجاد «خلأ مسئولیت» شود؛ زیرا تولیدکنندگان، مالکان یا بهره‌برداران انسانی ممکن است با استناد به استقلال حقوقی هوش مصنوعی، از مسئولیتی که در نظام حقوقی متعارف بر آنان تحمیل می‌شود، فاصله بگیرند. حتی در جریان بحث‌های پارلمان اروپا نیز نگرانی‌هایی درباره این موضوع مطرح شد که شخصیت حقوقی خاص برای ربات‌ها ممکن است در عمل به کاهش مسئولیت تولیدکنندگان و کاربران انسانی منجر شود. در مقابل، طرفداران ایجاد وضعیت حقوقی خاص استدلال می‌کنند که برای سامانه‌های واقعاً خودمختار، تکیه کامل بر الگوهای سنتی انتساب مسئولیت ممکن است پاسخ‌گوی پیچیدگی‌های فناوری آینده نباشد و ایجاد وضعیت حقوقی و سازوکارهای بیمه و جبران خسارت می‌تواند به افزایش قطعیت حقوقی کمک کند (European Parliament, 2017c).

بنابراین، تحقیق حاضر با تمرکز بر وضعیت حقوقی هوش مصنوعی، مفهوم شخصیت الکترونیکی را در برابر اصل مسئولیت انسانی قرار داده و می‌کوشد تا تحلیلی در این رابطه به دست بدهد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

گسترش هوش مصنوعی خودمختار، قواعد سنتی مسئولیت حقوقی را با چالش‌های جدیدی مواجه ساخته است؛ زیرا در مواردی، تصمیم و رفتار سیستم هوش مصنوعی مستقیماً قابل انتساب به یک عامل انسانی مشخص نیست. از این رو، تعیین مسئولیت سازندگان، توسعه‌دهندگان، مالکان و کاربران و تضمین جبران خسارت زیان‌دیدگان اهمیت اساسی دارد. پیشنهاد «شخصیت الکترونیکی» در سال ۲۰۱۷ نیز با هدف مواجهه با همین چالش مطرح شد، اما این راهکار ممکن است به جای حل مشکل، موجب انتقال مسئولیت از انسان به یک موجود مصنوعی و در نتیجه تضعیف مسئولیت انسانی و یا ابهام در انتساب آن شود. بنابراین، بررسی انتقادی این مفهوم و یافتن راهکاری مبتنی بر مسئولیت انسانی، شفافیت، مدیریت خطر و حمایت از زیان‌دیدگان ضروری است. این تحقیق از آن جهت برای افغانستان مهم است که بحث هوش مصنوعی وارد ادبیات علمی ما می‌گردد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی: بررسی انتقادی شخصیت الکترونیکی و ارزیابی این پرسش که آیا این مفهوم می‌تواند مسئولیت ناشی از عملکرد هوش مصنوعی را حل کند یا به مسئولیت‌گریزی انسانی می‌انجامد.

اهداف فرعی:

۱. بررسی مبانی پیشنهاد شخصیت الکترونیکی در قطعنامه ۲۰۱۷ پارلمان اروپا و تحول رویکرد اروپا با قانون هوش مصنوعی ۲۰۲۴.
۲. تحلیل دکترین موافقان و مخالفان شخصیت حقوقی هوش مصنوعی.
۳. بررسی راهکارهای حقوقی مسئولیت هوش مصنوعی بدون اعطای شخصیت الکترونیکی.
۴. ارائه الگوی جایگزین مبتنی بر مسئولیت انسانی، شفافیت و مدیریت ریسک.
۵. وارد ساختن بحث هوش مصنوعی در ادبیات علمی افغانستان.

پرسش‌های تحقیق

- آیا اعطای شخصیت الکترونیکی به هوش مصنوعی راهکاری مناسب برای حل مسئله وضعیت حقوقی و مسئولیت آن است، یا موجب تضعیف و انتقال مسئولیت انسانی می‌شود؟

پرسش‌های فرعی:

۱. مبانی و هدف پیشنهاد شخصیت الکترونیکی در قطعنامه ۲۰۱۷ پارلمان اروپا چه بود و رویکرد اروپا در سال‌های بعد چگونه تغییر کرد؟
۲. شخصیت الکترونیکی از دیدگاه موافقان و مخالفان چگونه ارزیابی می‌شود؟
۳. نظام‌های حقوقی مختلف بدون پذیرش شخصیت الکترونیکی چگونه مسئولیت ناشی از هوش مصنوعی را تنظیم کرده‌اند؟
۴. چه راهکاری می‌تواند ضمن حفظ مسئولیت انسانی، از زیان‌دیدگان در برابر خسارات هوش مصنوعی حمایت کند؟
۵. افغانستان چطور می‌تواند از دست‌آوردهای این عرصه درس بگیرد؟

فرضیه‌های تحقیق

- اعطای شخصیت الکترونیکی به هوش مصنوعی مشکل مسئولیت را حل نمی‌کند و با انتقال مسئولیت از اشخاص انسانی به یک موجود مصنوعی، زمینه انتقال مسئولیت و مسئولیت‌گریزی انسانی را فراهم سازد.

فرضیه‌های فرعی:

۱. رویکرد حقوقی اروپا پس از پیشنهاد سال ۲۰۱۷ م، به سوی حفظ مسئولیت بازیگران انسانی حرکت کرده است.
۲. پذیرش شخصیت الکترونیکی می‌تواند موجب دشوار شدن جبران خسارت برای زیان‌دیدگان شود.

نوآوری تحقیق

نوآوری اصلی این تحقیق، بررسی شخصیت الکترونیکی نه صرفاً از منظر امکان یا عدم امکان اعطای شخصیت حقوقی، بلکه از منظر پیامد آن برای مسئولیت انسانی است. تحقیق حاضر میان مباحث نظری شخصیت حقوقی و پیامدهای عملی انتساب مسئولیت پیوند برقرار کرده و تجربه اتحادیه اروپا را به‌عنوان مبنایی برای ارائه راهکار مناسب بررسی می‌کند. به صورت تطبیقی، رویکرد اتحادیه اروپا، ایالات متحده، بریتانیا، چین و حقوق ایران نسبت به وضعیت حقوقی و مسئولیت ناشی از هوش مصنوعی بررسی می‌شود.

ساختار تحقیق

این مقاله در مقدمه، مبحث اصلی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها تنظیم شده است. در مقدمه، مسئله تحقیق، اهمیت موضوع، اهداف، پرسش‌ها، فرضیه، پیشینه و نوآوری پژوهش بیان می‌شود. در مبحث نخست، مفاهیم مرتبط، ادبیات تحقیق و مبانی

تحقیق بررسی می‌گردد. در مبحث دوم، اعطای شخصیت الکترونیکی به هوش مصنوعی از منظر دکترین موافق و مخالف تحلیل می‌شود. در پایان، یافته‌های تحقیق در قالب نتیجه‌گیری ارائه و بر اساس آن پیشنهادهای لازم مطرح می‌شود.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات حقوقی دکترینال است که با بهره‌گیری از روش تحلیل حقوقی و رویکرد تطبیقی انجام شده است. در بخش دکترینال، قوانین، اسناد رسمی، اصول حقوقی و دیدگاه‌های علمی مرتبط با شخصیت حقوقی هوش مصنوعی و مسئولیت مدنی ناشی از عملکرد آن بررسی و تفسیر شده‌اند. در بخش تطبیقی، از روش مقایسه کارکردی استفاده شده است؛ بدین معنا که به جای مقایسه صرف اصطلاحات و ساختارهای قانونی، راهکارهای نظام‌های حقوقی مختلف برای حل مسائل مشترک، از جمله تعیین شخص مسئول، جبران خسارت، نظارت انسانی و جلوگیری از خلأ مسئولیت، مورد مقایسه قرار گرفته‌اند.

نظام‌های حقوقی اتحادیه اروپا، ایالات متحده آمریکا، انگلستان، چین و ایران به دلیل تفاوت در سنت‌های حقوقی، رویکردهای تنظیم‌گری هوش مصنوعی و شیوه‌های تعیین مسئولیت انتخاب شده‌اند. اتحادیه اروپا به دلیل توسعه چارچوب‌های قانونی ویژه هوش مصنوعی؛ ایالات متحده به دلیل اهمیت مسئولیت مدنی، دعاوی خسارت و نقش تنظیم‌گری بخشی؛ انگلستان به دلیل سنت کامن‌لا و قواعد مسئولیت مدنی؛ چین به دلیل رویکرد تنظیم‌گری دولتی و توسعه سریع مقررات هوش مصنوعی؛ و ایران به دلیل ظرفیت‌های حقوق مدنی و مبانی فقهی مسئولیت انتخاب شده‌اند. حقوق افغانستان با وجود اهمیت آن برای زمینه حقوقی پژوهشگر، در مقایسه اصلی وارد نشده است؛ زیرا هدف این مرحله، بررسی تطبیقی پنج نظام منتخب با چارچوب‌های متفاوت و دسترسی به منابع رسمی و قابل مقایسه بوده است. از این رو، نتایج این پژوهش مستقیماً به معنای ارزیابی جامع یا نتیجه‌گیری قطعی درباره حقوق افغانستان نیست.

محدوده زمانی بررسی از سال ۲۰۱۷، هم‌زمان با طرح موضوع شخصیت الکترونیکی در قطع‌نامه پارلمان اروپا، تا پایان سال ۲۰۲۴ تعیین شده است. این بازه امکان بررسی تحول رویکردهای حقوقی از طرح پیشنهاد شخصیت الکترونیکی تا شکل‌گیری چارچوب‌های جدید تنظیم‌گری هوش مصنوعی را فراهم می‌کند.

منابع پژوهش به دو دسته اصلی تقسیم شده‌اند. منابع اولیه شامل قوانین و مقررات مرتبط، آرای قضایی قابل دسترس، قطع‌نامه‌ها، اسناد سیاستی و اسناد رسمی نهادهای قانون‌گذار و تنظیم‌گر در نظام‌های مورد مطالعه است. منابع ثانویه شامل کتاب‌ها، مقالات علمی داوری‌شده و پژوهش‌های تخصصی در زمینه شخصیت حقوقی هوش مصنوعی، مسئولیت مدنی و حقوق تطبیقی است. انتخاب منابع بر اساس ارتباط مستقیم با پرسش پژوهش، اعتبار نهادی یا علمی، قابلیت دسترسی و امکان مقایسه حقوقی صورت گرفته است. در تحلیل نهایی، یافته‌های منابع اولیه مبنای اصلی استدلال حقوقی قرار گرفته و منابع ثانویه برای تبیین، نقد و ارزیابی دیدگاه‌های علمی به کار رفته‌اند.

مفهوم‌شناسی

هوش مصنوعی: «ظام هوش مصنوعی» نظامی مبتنی بر ماشین است که برای عملکرد با درجات مختلفی از خودمختاری طراحی شده و ممکن است پس از استقرار، قابلیت سازگاری داشته باشد و برای اهداف صریح یا ضمنی، از ورودی‌هایی که

دریافت می‌کند، چگونگی تولید خروجی‌هایی مانند پیش‌بینی‌ها، محتوا، توصیه‌ها یا تصمیم‌هایی را استنباط می‌کند که می‌توانند بر محیط‌های فیزیکی یا مجازی تأثیر بگذارند. این تعریف، به دلیل جایگاه قانونی و توجه هم‌زمان به خودمختاری، استنباط و تولید خروجی‌های مؤثر، مبنای مناسبی برای تحلیل وضعیت حقوقی نظام‌های هوش مصنوعی و بررسی مسئله انتساب مسئولیت مدنی ناشی از عملکرد آن‌ها فراهم می‌سازد (European Parliament, 2024, Article 3(1)).

شخصیت: شخصیت مفهومی است که به موجب آن یک موجود به‌عنوان موضوع حقوق و تکالیف شناخته می‌شود. در حقوق معاصر، اشخاص به‌طور کلی به اشخاص حقیقی و اشخاص حقوقی تقسیم می‌شوند (رحیمی، ۱۳۹۸: ۱۹۲).

شخصیت حقیقی: شخصیت حقیقی افراد انسانی را گویند که موضوع حق و تکلیف قرار گیرند (رحیمی، ۱۳۹۸: ۱۹۲).

شخصیت حقوقی: شخص حقوقی نیز نهادی غیرانسانی است که قانون برای تحقق اهداف معین، ظرفیت برخورداری از حقوق و تعهدات را برای آن به رسمیت می‌شناسد. از این منظر، اعطای شخصیت حقوقی لزوماً به معنای انسان بودن یا برخورداری از ویژگی‌های زیستی و اخلاقی انسان نیست (رحیمی، ۱۳۹۸: ۲۰۶).

شخصیت الکترونیکی: شخصیت الکترونیکی مفهوم پیشنهادی برای ایجاد یک وضعیت حقوقی خاص برای برخی سامانه‌های هوش مصنوعی و ربات‌های خودمختار است. این مفهوم در قطعنامه ۲۰۱۷ پارلمان اروپا مطرح شد؛ پارلمان از کمیسیون خواست امکان ایجاد وضعیت حقوقی ویژه برای پیشرفته‌ترین ربات‌های خودمختار، از جمله احتمالاً «شخصیت الکترونیکی»، بررسی شود (European Parliament, 2017b, para. 59(f)). هدف اصلی این پیشنهاد، پاسخ‌گویی به دشواری‌های مسئولیت مدنی ناشی از رفتار سیستم‌هایی بود که درجه‌ای از خودمختاری و توانایی تصمیم‌گیری را دارند. با این حال، این پیشنهاد به معنای تصویب شخصیت الکترونیکی در حقوق اتحادیه اروپا نبود و در ادامه با انتقادات جدی مواجه شد.

ادبیات تحقیق

- قطعنامه ۲۰۱۷ پارلمان اروپا و طرح «شخصیت الکترونیکی»: یکی از مهم‌ترین اسناد اولیه در بحث وضعیت حقوقی و مسئولیت هوش مصنوعی، قطعنامه پارلمان اروپا مورخ ۱۶ فروری ۲۰۱۷ درباره قواعد حقوق مدنی در حوزه رباتیک است. پارلمان اروپا طی آن، با توجه به افزایش خودمختاری و پیچیدگی ربات‌های پیشرفته، از کمیسیون اروپا خواست امکان ایجاد یک «وضعیت حقوقی خاص برای ربات‌ها در بلندمدت» و، در موارد پیچیده‌تر، شناسایی آنان به‌عنوان «اشخاص الکترونیکی» (Electronic Persons) را بررسی کند (European Parliament, 2017b, para. 59(f)). مبنای این پیشنهاد، نگرانی از ناکافی بودن قواعد سنتی مسئولیت در شرایطی بود که رفتار یک ربات به دلیل قابلیت یادگیری و خودمختاری، به‌طور کامل قابل پیش‌بینی یا کنترل انسانی نباشد. با این حال، خود قطعنامه شخصیت الکترونیکی را به‌عنوان یک راه‌حل قطعی و فوری مقرر نکرد، بلکه آن را به‌عنوان یکی از گزینه‌های قابل بررسی در آینده مطرح ساخت.

نکته مهم آن است که قطعنامه مذکور، شخصیت الکترونیکی را از مسئله مسئولیت جدا نمی‌کرد؛ بلکه در کنار آن، راهکارهایی مانند بیمه اجباری، ایجاد صندوق جبران خسارت، ثبت اختصاصی ربات‌ها و تعیین مسئولیت متناسب با میزان

کنترل و خودمختاری ربات را نیز مطرح می‌ساخت. بر اساس بندهای ۵۲ تا ۵۹ قطعنامه، در ارزیابی نظام آینده مسئولیت باید میان دو رویکرد مسئولیت محض (Strict Liability) و مدیریت ریسک (Risk Management) بررسی و تناسب مسئولیت بازیگران انسانی با میزان دستور، آموزش و خودمختاری ربات مورد توجه قرار گیرد. حتی در بند ۵۶ تصریح شده بود که، دست کم در وضعیت موجود، مسئولیت باید بر عهده انسان باشد نه ربات.

از سوی دیگر، پارلمان اروپا بر ضرورت ایجاد سازوکارهای نظارتی و کارشناسی نیز تأکید کرد و از کمیسیون خواست امکان ایجاد آژانس اروپایی برای رباتیک و هوش مصنوعی را بررسی کند؛ نهادی که بتواند مسائل فنی، اخلاقی و حقوقی ناشی از توسعه این فناوری را در سطح اتحادیه ارزیابی و هماهنگ سازد. همچنین، در زمینه ایمنی، قطعنامه بر ضرورت امکان خاموش‌سازی اضطراری ربات‌ها (kill switch) و رعایت اصول اخلاقی و ایمنی تأکید داشت.

از منظر موضوع حاضر، اهمیت این قطعنامه در آن است که شخصیت الکترونیکی را نه صرفاً به‌عنوان مسئله‌ای مربوط به «حقوق ربات»، بلکه در ارتباط مستقیم با مسئله انتساب مسئولیت مطرح کرد. با این حال، این پیشنهاد با انتقادات جدی روبه‌رو شد.

- کیم، جین وو، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ضرورت و اجرای شخصیت الکترونیکی برای نظام‌های خودمختار» در سال ۲۰۱۹م، ضرورت شناسایی مفهوم «شخصیت الکترونیکی» برای نظام‌های خودمختار و مسائل حقوقی ناشی از آن را بررسی کرده و بیان می‌دارد که با توجه به سطح فعلی توسعه فناوری، شناسایی فوری شخصیت حقوقی مستقل برای هوش مصنوعی را زودرس بوده و بر امکان انتساب مسئولیت به مالک یا استفاده‌کننده، دست کم در وضعیت کنونی، تأکید کرده‌است (J. Kim, 2019).

- شین، هیون‌تاک، در مقاله‌ای با عنوان «وضعیت حقوقی هوش مصنوعی و بررسی مفهوم شخصیت الکترونیکی» در سال ۲۰۱۸م، مفهوم شخصیت الکترونیکی و امکان شناسایی وضعیت حقوقی مستقل برای هوش مصنوعی را بررسی کرده است. وی ضمن بررسی امکان ایجاد شخصیت الکترونیکی، تصریح می‌کند که حقوق و اهلیت چنین شخصیتی باید متناسب با ضرورت اجتماعی و شرایط واقعی محدود و تنظیم شود (Shin, 2018).

○ کیم (۲۰۱۹) و شین (۲۰۱۸)، در مطالعات خود درباره ضرورت شخصیت الکترونیکی و وضعیت حقوقی هوش مصنوعی، ابعاد مختلف این نظریه را بررسی کرده‌اند. بر اساس شرح ارائه‌شده از این آثار، کیم در پذیرش فوری شخصیت مستقل محتاط است و شین بر ضرورت تنظیم حدود حقوق و اهلیت چنین شخصیتی متناسب با نیازهای اجتماعی تأکید می‌کند. این دیدگاه‌ها نشان می‌دهند که اختلاف اصلی فقط بر سر اصل شناسایی شخصیت نیست، بلکه حدود، آثار و کارکرد حقوقی آن نیز اهمیت دارد. با این حال، برای ارزیابی دقیق روش تحقیق و استحکام استدلال‌های این دو اثر، بررسی متن کامل آن‌ها ضروری است.

- کیم، سونگ‌یون، در مجله حقوقی یونسی در مقاله‌ای با عنوان «مسائل مربوط به هوش مصنوعی مولد و حقوق مدنی؛ با تمرکز بر اعطای شخصیت حقوقی یا شخصیت الکترونیکی» در سال ۲۰۲۴م، به بررسی مسائل حقوقی ناشی از هوش مصنوعی مولد، به‌ویژه امکان اعطای شخصیت حقوقی یا «شخصیت الکترونیکی» و آثار آن در حوزه حقوق مدنی

و مسئولیت پرداخته است (S.-Y. Kim, 2024). این اثر در درک آرای موافقین اعطای شخصیت ممد است که ما هم در بخش تطبیقی از آن استفاده خواهیم نمود.

- کارا کلیچ آرسلان (Kara Kılıçarslan)، در مقاله‌ای با عنوان «وضعیت حقوقی و شخصیت حقوقی هوش مصنوعی؛ مباحث و مناقشات»، به بررسی مباحث و دیدگاه‌های حقوقی مرتبط با تعیین وضعیت هوش مصنوعی و امکان شناسایی شخصیت حقوقی برای آن پرداخته است. نویسنده در این پژوهش، ضمن بررسی وضعیت حقوقی هوش مصنوعی، دیدگاه‌های مختلف موافق و مخالف اعطای شخصیت حقوقی به موجودات هوش مصنوعی و راهکارهای مطرح‌شده برای تعیین جایگاه حقوقی آن را مورد بحث قرار می‌دهد (Kara Kılıçarslan, 2019). این مقاله برای کارهای تطبیقی مقاله ما در خصوص آرای موافق و مخالف مفید است، و علاوه بر کار وی ما در مقاله حاضر رویکردهای کشورها را نیز مطالعه می‌کنیم تا از بحث نظری مطلق خارج شده به تجربیات عملی کشورها بپردازیم.
- مکی و کشکولیان در مقاله «بررسی مسئولیت ناشی از اعمال هوش مصنوعی در نظام حقوقی ایران»، با روش توصیفی - تحلیلی، مسئولیت مدنی و کیفری ناشی از عملکرد هوش مصنوعی را بررسی کرده‌اند. یافته‌های آنان بر اهمیت رابطه سببیت در مسئولیت مدنی و دشواری انتساب مسئولیت کیفری به هوش مصنوعی تأکید دارد. پژوهش حاضر با رویکرد تطبیقی، این موضوع را از منظر مسئولیت انسانی و قواعد ضمان بررسی می‌کند (مکی، مکی، و کشکولیان، ۱۴۰۳).

مبانی تحقیق

در ادبیات حقوقی، در خصوص ضرورت تعیین وضعیت حقوقی برای هوش مصنوعی، یعنی تعیین جایگاه و ماهیت حقوقی این فناوری در نظام حقوقی، دو دیدگاه اساسی مطرح است: اعطاء و عدم اعطای شخصیت مستقل به هوش مصنوعی. دیدگاه مخالف اعطای شخصیت مستقل به هوش مصنوعی معتقد است که خودمختاری هوش مصنوعی لزوماً مستلزم اعطای شخصیت به آن نیست؛ بلکه می‌توان مسائل حقوقی ناشی از عملکرد آن را از طریق تعیین حقوق و مسئولیت‌های متناسب با حوزه کاربرد، مسئولیت اشخاص مرتبط و نظام‌های بیمه‌ای حل کرد. بر اساس این دیدگاه، هوش مصنوعی می‌تواند همچنان در جایگاه مال یا شیء متعلق به شخص حقیقی یا حقوقی باقی بماند (Alexandre, 2019, p.12 as cited in Kara Kılıçarslan, 2019). با این حال، دیدگاه‌هایی مانند «برده بودن هوش مصنوعی» که بر غیرانسان بودن و ساخته دست انسان بودن هوش مصنوعی تأکید دارند، با انتقادهای حقوقی و اخلاقی جدی مواجه شده‌اند (Bak, 2018, p. 218 as cited in Kara Kılıçarslan, 2019).

در مقابل، دیدگاه موافق اعطای شخصیت مستقل بر این باور است که شخصیت الزاماً به انسان بودن وابسته نیست و با توجه به خودمختاری و قابلیت‌های شناختی هوش مصنوعی می‌توان برای آن وضعیت حقوقی مستقلی ایجاد کرد. از این منظر، اعطای شخصیت می‌تواند امکان برخورداری از حقوق، تحمل تعهدات و تعیین مسئولیت حقوقی را فراهم سازد و به ایجاد نظم و ثبات در روابط حقوقی ناشی از فعالیت هوش مصنوعی کمک کند (Zimmerman, 2015, as cited in Kara Kılıçarslan, 2019).

در میان دیدگاه‌های موافق، پیشنهاد «شخصیت حقوقی» مانند شرکت‌ها، پیشنهاد «شخصیت الکترونیکی» به عنوان نوعی شخصیت خاص و مستقل از طرف اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۷ (European Parliament, 2017a)، همچنین مفهوم «شخص غیرانسانی» تا هوش مصنوعی از شخصیت انسان و شخصیت اشخاص حقوقی متمایز باشد، مطرح شده است (Kara, 2019). اما در این میان پیشنهاد شخصیت الکترونیکی برای هوش مصنوعی در ادبیات حقوقی و بحث‌های رسمی نقش برجسته‌تری داشته که در ادامه به کندوکاو پیرامون آن می‌پردازیم:

شخصیت الکترونیکی از منظر دگرترین حقوقی موافق و مخالف

در ادبیات حقوقی، اعطای شخصیت الکترونیکی به سامانه‌های هوش مصنوعی که به عنوان پیشنهادی در قطعنامه ۲۰۱۷م پارلمان اروپا مطرح شد؛ با موافقان و مخالفان جدی روبه‌رو شده است. مخالفان شخصیت الکترونیکی دلایل ذیل را برای توجیه مخالفت خویش ارائه نموده اند :

۱. پارادوکس شناسایی و تداوم هویت

مسئولیت حقوقی مستلزم وجود نهاد مسئول، قابل شناسایی و دارای تداوم هویتی است. در حالی که یکی از تحقیقات فلسفی و حقوقی کره جنوبی نشان می‌دهد که موجودات الکترونیکی ذاتاً دارای ویژه‌گی «تحقق‌پذیری چندگانه» هستند — هویت آنها در نرم‌افزار نهفته است، نه در یک بدن فیزیکی واحد، و بنابراین که سامانه‌های هوش مصنوعی، به دلیل ماهیت نرم‌افزاری و قابلیت نسخه‌برداری، تغییر، به‌روزرسانی و بازآموزی، می‌تواند شناسایی هویت ثابت و مستقل را با چالش مواجه سازد (Koh, 2025). بنابراین، در صورت وقوع خسارت، تعیین اینکه کدام نسخه یا وضعیت سامانه و در نتیجه کدام «شخصیت» باید مسئول شناخته شود، با ابهام جدی مواجه است. این مسئله یکی از موانع اساسی در پذیرش شخصیت الکترونیکی به شمار می‌رود.

۲. کم‌رنگ شدن مسئولیت انسانی و ابهام انتساب مسئولیت

یکی از مهم‌ترین انتقادات به شخصیت الکترونیکی، احتمال ایجاد یا تشدید «شکاف مسئولیتی» است؛ یعنی وضعیتی که در آن تعیین شخص مسئول خسارت ناشی از عملکرد مستقل هوش مصنوعی دشوار می‌شود. اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی ممکن است به تولیدکنندگان، توسعه‌دهندگان و اپراتورها امکان دهد مسئولیت خود را به تصمیم مستقل سامانه نسبت دهند و از آن به عنوان سپر حقوقی استفاده کرده تا از جبران خسارت شانه خالی کنند و حتی موجب کاهش انگیزه پیشگیری از آسیب در مرحله طراحی شده، و موجب ایجاد سپر مسئولیت شود. در نتیجه، شخصیت الکترونیکی به جای حل شکاف مسئولیت، ممکن است آن را نهادینه کند که در آن هیچ‌کس پاسخگو نباشد (Koh, 2025).

۳. فقدان ظرفیت پاسخگویی و اجرای مسئولیت

مسئولیت، افزون بر رابطه سببیت، در بسیاری از موارد با مفاهیمی مانند پاسخگویی، دارایی و امکان تحمل ضمانت اجرا ارتباط دارد. هوش مصنوعی فاقد اراده اخلاقی، آگاهی حقوقی، دارایی مستقل و امکان تحمل مجازات به معنای متعارف است. یک تحلیل حقوقی از منظر فلسفه اخلاق استدلال می‌کند که مسئولیت اخلاقی مستلزم ظرفیت «پاسخگویی» است

یعنی توانایی درک دلایل، سنجش عواقب، و پذیرش سرزنش؛ هوش مصنوعی فعلی، حتی پیشرفته‌ترین سیستم‌ها، این ظرفیت را ندارد (Heinrichs, 2022). اعطای شخصیت حقوقی به موجودی که فاقد ظرفیت اخلاقی پاسخگویی است، نوعی انسان‌انگاری حقوقی خطرناک است که می‌تواند به فرسایش مفهوم مسئولیت در حقوق منجر شود که می‌توان از آن به «امحاء» مفهوم شخصیت حقوقی تعبیر کرد. شخصیت حقوقی در نظام‌های حقوقی مدرن عمدتاً برای تنظیم روابط بین گروه‌های انسانی (شرکت‌ها، انجمن‌ها، نهادهای دولتی) طراحی شده است. گسترش این مفهوم به ماشین‌ها می‌تواند معنای سنتی آن را بی‌معنا کند و مرز بین انسان و ابزار را مخدوش نماید. از این رو، اعطای شخصیت حقوقی به آن بدون پیش‌بینی سازوکار مؤثر برای جبران خسارت، نمی‌تواند حمایت کافی از زیان‌دیده‌گان را فراهم کند و حتی ممکن است جبران خسارت آنان را دشوارتر سازد.

۴. تحول تقنینی: از ایده تا رد شدن

تجربه اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که ایده شخصیت الکترونیکی با انتقادات گسترده حقوقی، اخلاقی و فنی مواجه شده، و این انتقادات در شکل‌گیری رویکرد قانون‌گذاری اتحادیه اروپا بازتاب یافته‌اند. اگرچه در قطعنامه سال ۲۰۱۷ پارلمان اروپا موضوع شخصیت الکترونیکی مطرح شد، در مقررات بعدی، از جمله قانون هوش مصنوعی^۳ اتحادیه اروپا که در سال ۲۰۲۳-۲۰۲۴ نهایی شد، رویکرد مبتنی بر شخصیت‌بخشی به ماشین‌ها پذیرفته نشد. در مقابل، چارچوب اروپایی بر مدیریت خطر، شفافیت، نظارت و مسئولیت اشخاص انسانی و نهادهای دخیل در چرخه توسعه و استفاده از هوش مصنوعی تأکید دارد. حتی پیش از تصویب AI Act، مطالعه‌ای که به سفارش کمیته امور حقوقی پارلمان اروپا انجام شده بود، این ایده را «به همان اندازه غیرمفید است که نامناسب تلقی شود» توصیف کرده بود. آن مطالعه هشدار داده بود که ایجاد شخصیت الکترونیکی «مرزهای بین انسان و ماشین را محو می‌کند» و «پایه انسان‌محوری اروپا را متزلزل می‌سازد» می‌توان در این زمینه درسی از تجربه عملی اروپا گرفت که از «شخصیت الکترونیکی» به «مسئولیت انسانی» انجامید (European Parliament, 2020). بناء این تجربه قانون‌گذاری نشان می‌دهد که اتحادیه اروپا این راهکار را در چارچوب قانونی فعلی خود انتخاب کرده نتوانست.

بر اساس این ملاحظات، شخصیت الکترونیکی نه تنها راه‌حل روشنی برای مسئله مسئولیت هوش مصنوعی ارائه نمی‌کند، بلکه ممکن است موجب ابهام در شناسایی مسئول، تضعیف مسئولیت انسانی و دشوارتر شدن جبران خسارت شود. از این رو، مسئولیت باید اصولاً متوجه اشخاص و نهادهایی باشد که توانایی طراحی، تولید، کنترل، بهره‌برداری یا کاهش خطرات سامانه‌های هوش مصنوعی را دارند؛ از جمله تولیدکنندگان، توسعه‌دهندگان، اپراتورها و کاربران، که مسئولیت هر یک باید متناسب با نقش و میزان کنترل آنان تعیین شود.

در مقابل، موافقان استدلال می‌کنند که با افزایش خودمختاری و توانایی تصمیم‌گیری سیستم‌های هوش مصنوعی، ممکن است قواعد سنتی انتساب مسئولیت پاسخ‌گوی تمام وضعیت‌های جدید نباشد. بر این اساس، ایجاد نوعی شخصیت حقوقی خاص می‌تواند امکان شناسایی مستقل سامانه، اختصاص دارایی، بیمه و ایجاد سازوکار جبران خسارت را فراهم سازد. برای نمونه، کیم سونگ‌یون استاد پوهنتون ملی Gangneung-Wonju، در تحلیل وضعیت حقوقی هوش مصنوعی مولد، پیشنهاد

³. AI Act

می‌کند اشخاص الکترونیکی از طریق نظام ثبت عمومی شده، و مشابه اشخاص حقوقی، قابل شناسایی باشند و در شرایط خاص، حتی بدون ثبت رسمی، اهلیت حقوقی محدودی برای تعاملات اجتماعی آنان در نظر گرفته شود. (Kim, 2024) مدافعان این دیدگاه، در توجیه شناسایی هوش مصنوعی مولد به عنوان «شخص الکترونیکی»، دلایل مختلفی ارائه کرده‌اند:

نخست، آنان بر این باورند که با توجه به برخورداری برخی سامانه‌های هوش مصنوعی مولد از قابلیت‌های پیشرفته پردازش اطلاعات، یادگیری و تصمیم‌گیری، می‌توان برای سامانه‌هایی که به سطح بالایی از استقلال و پیچیدگی رسیده‌اند، نوعی اهلیت حقوقی متناسب با میزان خودمختاری آنان در نظر گرفت. در این رویکرد، هوش مصنوعی مولد شبیه انسان‌هایی با سطوح بالای هوش است، بناء واجد شرایط احراز اهلیت خواهد بود.

دوم، طرفداران این نظریه استدلال می‌کنند که در صورت شناسایی هوش مصنوعی به عنوان شخص الکترونیکی، می‌توان برای آن دارایی مستقل در نظر گرفت و اموالی را که از فعالیت‌های اقتصادی آن حاصل می‌شود، به این شخصیت اختصاص داد. چنین دارایی‌هایی می‌تواند به عنوان پشتوانه مالی برای جبران خسارات ناشی از عملکرد هوش مصنوعی مورد استفاده قرار گیرد. در نتیجه، مسئولیت مدنی صرفاً به اشخاص انسانی دخیل در طراحی یا بهره‌برداری از سامانه محدود نخواهد شد، بلکه خود شخصیت الکترونیکی نیز می‌تواند در حدود مقرر قانونی، دارای مسئولیت مالی باشد.

سوم، بر اساس این دیدگاه، هوش مصنوعی دارای شخصیت الکترونیکی می‌تواند هم موضوع حقوق و هم موضوع تعهدات قرار گیرد و در نتیجه، در صورت تحقق شرایط قانونی، مسئولیت مدنی ناشی از خسارات منتسب به عملکرد خود را بر عهده داشته باشد. لازمه چنین وضعیتی، شناسایی نوعی اهلیت اقامه دعوی برای آن است؛ به این معنا که بتواند در حدود شخصیت قانونی اعطاشده، طرف دعوای مدنی قرار گیرد و در شرایط مقرر، از طریق نماینده قانونی در فرایند قضایی حضور یابد. البته دامنه این اهلیت به میزان استقلالی بستگی دارد که قانون برای شخصیت الکترونیکی به رسمیت می‌شناسد. چنانچه سامانه از استقلال حقوقی و اقتصادی گسترده‌ای برخوردار باشد، امکان شناسایی اهلیت اقامه دعوی مستقیم آن قابل تصور است؛ اما در صورت محدود بودن شخصیت آن، می‌توان مدیر، مالک یا شخص مسئول نگهداری و بهره‌برداری از سامانه را به عنوان نماینده قانونی آن در نظر گرفت.

بر این اساس، منطق اساسی دیدگاه موافقان آن است که شخصیت الکترونیکی می‌تواند با ایجاد هویت و دارایی حقوقی مستقل، خلأ احتمالی میان عملکرد خودمختار هوش مصنوعی و نظام سنتی انتساب مسئولیت را کاهش دهد. با این حال، تحقق این دیدگاه مستلزم پاسخ به پرسش‌های بنیادینی درباره هویت حقوقی هوش مصنوعی، منشأ دارایی آن، حدود اهلیت، نحوه نماینده‌گی، قابلیت تحمل ضمانت اجرا و رابطه مسئولیت آن با تولیدکنندگان، توسعه‌دهندگان، مالکان و کاربران است؛ مسائلی که بخش مهمی از نقدهای مخالفان شخصیت الکترونیکی را تشکیل می‌دهد.

این دیدگاه با بخشی از پیشنهاد مطرح‌شده در قطعنامه ۲۰۱۷ پارلمان اروپا نیز هم‌راستا بود. پارلمان اروپا در آن سند، در خصوص پیچیده‌ترین ربات‌های خودمختار، امکان ایجاد وضعیت حقوقی خاص و در بلندمدت، شناسایی آنان به عنوان «اشخاص الکترونیکی» را مطرح کرد؛ به‌ویژه در مواردی که ربات‌ها تصمیمات خودمختار اتخاذ می‌کنند یا به‌طور مستقل با اشخاص ثالث تعامل دارند. با این حال، قطعنامه در همان حال تأکید داشت که، دست‌کم در مرحله کنونی، مسئولیت باید

همچنان متوجه انسان باشد و برای جبران خسارت نیز سازوکارهایی مانند بیمه اجباری و صندوق جبران خسارت مورد بررسی قرار گیرد.

سرنوشت پیشنهاد شخصیت الکترونیکی و چرخش به سوی مسئولیت انسانی

تجربه قانون‌گذاری اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که پیشنهاد اعطای «شخصیت الکترونیکی» به ربات‌های خودمختار، که در قطعنامه پارلمان اروپا در سال ۲۰۱۷ مطرح شد، در مقررات نهایی اتحادیه اروپا به یک نهاد حقوقی مستقل تبدیل نشد. کمیته اقتصادی و اجتماعی اروپا^۴ نیز در سال ۲۰۱۷ با هرگونه وضعیت حقوقی برای ربات‌ها یا سامانه‌های هوش مصنوعی مخالفت کرد. (European Economic and Social Committee, 2017, para. 1.12). بعدها، گروه کارشناسی مسئولیت و فناوری‌های جدید کمیسیون اروپا در گزارش سال ۲۰۱۹ اعلام کرد که در شرایط موجود، نیازی به اعطای شخصیت حقوقی به فناوری‌های نوظهور وجود ندارد و خسارت‌های ناشی از فناوری‌های خودمختار اصولاً می‌تواند به اشخاص حقیقی یا اشخاص حقوقی موجود منتسب شود (Expert Group on Liability and New Technologies, 2019). بالاخره قانون هوش مصنوعی اتحادیه اروپا مصوب ۲۰۲۴^۵ به جای ایجاد شخصیت حقوقی برای سامانه‌های هوش مصنوعی، بر رویکرد مبتنی بر ریسک، شفافیت، نظارت انسانی، الزامات ایمنی و پاسخگویی اشخاص و نهادهای دخیل در چرخه حیات هوش مصنوعی استوار شده است (EU AI Act, 2024). از این رو، می‌توان تحول رویکرد اروپایی را از طرح یک وضعیت حقوقی خاص برای ربات‌های خودمختار در سال ۲۰۱۷ به سوی تنظیم رفتار و مدیریت خطرات هوش مصنوعی در چارچوب مسئولیت انسانی مشاهده کرد. بناء تحولات تقنینی اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که قانونگذار اروپایی در شرایط فعلی، به جای اعطای شخصیت مستقل به هوش مصنوعی، مسئولیت و نظارت انسانی را ترجیح داده است.

در حقوق و مطالعات علمی ایران نیز ایده شخصیت حقوقی هوش مصنوعی در برخی تحقیقات علمی مطرح شده است؛ با این حال، در حقوق موضوعه ایران، هوش مصنوعی در حال حاضر به عنوان شخص حقیقی یا شخص حقوقی مستقل شناسایی نشده است. بنابراین، ایجاد شخصیت الکترونیکی مستلزم تعیین مبنای قانونی، حدود اهلیت، دارایی مستقل، نحوه انتساب اعمال، شیوه اقامه دعوا و مهم‌تر از همه، سازوکار مؤثر جبران خسارت خواهد بود. در نتیجه، در وضعیت فعلی، مسئولیت ناشی از عملکرد هوش مصنوعی را نمی‌توان صرفاً با انتقال آن به خود سامانه حل کرد و باید نقش اشخاص انسانی و نهادهایی مانند تولیدکننده، توسعه‌دهنده، مالک، بهره‌بردار و استفاده‌کننده در ایجاد و کنترل خطر مورد توجه قرار گیرد. به عنوان نمونه می‌توان به یکی از این مطالعات که توسط محققین پژوهشکده شورای نگهبان انجام شد اشاره نمود، در چهارمین نشست از سلسله نشست‌های «هوش مصنوعی و حقوق اساسی» در این پژوهشکده، موضوع امکان اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی و انتساب مسئولیت به آن بررسی شد. طاهر حبیب‌زاده با تفکیک مفاهیمی مانند هوش، فکر و عقل، بر این نکته تأکید کرد که هوش مصنوعی، با وجود توانایی پردازشی بالا، لزوماً از ویژگی‌هایی مانند تخیل و تفکر انسانی برخوردار نیست. وی همچنین به تحول رویکرد اتحادیه اروپا اشاره کرد که پس از طرح مفهوم «شخصیت الکترونیکی» در سال ۲۰۱۷، در اسناد بعدی از این رویکرد فاصله گرفته است. از منظر حقوق ایران، وی شخص حقیقی و شخص حقوقی نص‌محور را انواع

4. European Economic and Social Committee

5. EU AI Act, 2024

شناخته‌شده شخصیت دانست؛ به این معنا که شخصیت حقوقی باید بر مبنای نص قانونی ایجاد و شناسایی شود و صرف وجود برخی معیارهای انتزاعی برای شناسایی آن کافی نیست. از این‌رو، در وضعیت فعلی، هوش مصنوعی فاقد شخصیت حقوقی مستقل است. در حوزه مسئولیت نیز «امکان کنترل» به‌عنوان یکی از مبنای انتساب مسئولیت مطرح شد؛ به‌گونه‌ای که هرچه سازنده یا بهره‌بردار امکان کنترل، نظارت یا پیشگیری از رفتار زیان‌بار سامانه را داشته باشد، زمینه انتساب مسئولیت به وی بیشتر خواهد بود (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۴۰۳).

در بریتانیا، دولت در چارچوب سیاست تنظیم‌گری هوش مصنوعی، رویکردی مبتنی بر انتساب مسئولیت به اشخاص قابل شناسایی اتخاذ کرده است. در سند سیاستی «رویکرد حامی نوآوری برای تنظیم‌گری هوش مصنوعی» (۲۰۲۲)، دولت تصریح می‌کند که «پاسخ‌گویی نسبت به نتایج تولیدشده توسط هوش مصنوعی و مسئولیت حقوقی باید همواره بر عهده شخص حقوقی مشخص یا قابل شناسایی، اعم از شخص حقیقی یا شخص حقوقی، باشد (United Kingdom Government, 2022, p. 14). این رویکرد نشان می‌دهد که در چارچوب سیاست رسمی مذکور، مسئولیت حقوقی به خودِ هوش مصنوعی به‌عنوان یک شخص مستقل واگذار نشده است.

در ایالات متحده، در سطح فدرال، هوش مصنوعی تاکنون به‌عنوان شخص حقوقی مستقل به رسمیت شناخته نشده است. در این مورد به صراحت سند تقنینی وجود ندارد، اما به صورت ضمنی از محتوای اسناد تقنینی مرتبط با مالکیت‌های فکری چنین بر می‌آید که مواضع رسمی نهادهای فدرال در حوزه‌های مالکیت فکری نیز بر نقش و مسئولیت انسان تأکید دارد؛ و شخصیت مستقل را به رسمیت نشناخته است. اداره ثبت اختراعات و علائم تجاری ایالات متحده^۶ با استناد به رأی دادگاه فدرال در پرونده (Thaler v. Vidal, 2022)، تصریح کرده است (Thaler v. Vidal, 43 F.4th 1207, 2022) که مخترع در اظهارنامه اختراع باید شخص حقیقی باشد و یک سامانه هوش مصنوعی نمی‌تواند به‌عنوان مخترع ثبت شود (USPTO, 2024). همچنین، اداره حق مؤلف ایالات متحده در گزارش سال ۲۰۲۵ اعلام کرده است که حمایت از حق مؤلف به آثار دارای آفرینش انسانی تعلق می‌گیرد و صرفاً محتوای تولیدشده توسط هوش مصنوعی، بدون میزان کافی از کنترل و مشارکت خلاقانه انسان، از حمایت حق مؤلف برخوردار نیست (U.S. Copyright Office, 2025). بر این اساس، در چارچوب حقوق فدرال موجود، هوش مصنوعی دارای شخصیت حقوقی مستقل مشابه شخص حقیقی یا شخص حقوقی شناخته‌شده نیست.

در چین، اسناد رسمی موجود هوش مصنوعی را در حوزه قضایی در جایگاه ابزار کمکی برای تصمیم‌گیری انسانی قرار داده‌اند، نه به‌عنوان جایگزین قاضی یا دارنده مستقل صلاحیت تصمیم‌گیری. دیوان عالی خلق چین در «نظرات درباره تنظیم و تقویت کاربردهای هوش مصنوعی در حوزه قضایی» مصوب ۲۰۲۲ تصریح کرده است که هوش مصنوعی، صرف‌نظر از میزان پیشرفت فناوری، نباید جایگزین قاضی در صدور رأی شود و نتایج حاصل از آن صرفاً جنبه مرجع و کمک‌کننده دارد؛ همچنین مسئولیت قضایی در نهایت بر عهده تصمیم‌گیرنده است (Supreme People's Court of China, 2022, Principle 5). همچنین در سند جدید ۷ سپتامبر ۲۰۲۶، دیوان عالی خلق مسئولیت‌های حقوقی مربوط به استفاده از هوش مصنوعی را بر اساس نقش‌هایی مانند توسعه‌دهنده، ارائه‌دهنده و استفاده‌کننده تنظیم کرده است، نه اینکه مسئولیت را به خود هوش

^۶. United States Patent and Trademark Office

مصنوعی به عنوان یک شخص مستقل منتقل کند (CHINA NATIONAL INTELLECTUAL PROPERTY ADMINISTRATION, 2026). افزون بر این، اداره ملی مالکیت فکری چین^۷ در دستورالعمل‌های مربوط به اختراعات مرتبط با هوش مصنوعی تأکید کرده است که مخترع باید شخص حقیقی باشد و نام هوش مصنوعی نمی‌تواند به عنوان مخترع درج شود (CHINA NATIONAL INTELLECTUAL PROPERTY ADMINISTRATION, 2024). این اسناد، دست کم در حوزه‌های قضایی و مالکیت فکری، مؤید آن‌اند که نظام حقوقی چین برای هوش مصنوعی شخصیت حقوقی مستقل مشابه شخص حقیقی قائل نشده است.

قابل ذکر است که در افغانستان تا الحال سند تقنینی اختصاصی در رابطه به هوش مصنوعی وضع نشده است، لذا در صورتی که قضیه‌ای رخ دهد تا وضع قوانین اختصاصی، باید در پرتو قواعد کلی مسوولیت مدنی متکی بر مسوولیت انسانی تعقیب شود، و همچنان حقوق دانان افغانستان در پرتو ادبیات حقوقی شکل گرفته در سطح جهان باید به این مورد عطف توجه نمایند.

بر این اساس، بررسی تطبیقی در این حوزه نشان می‌دهد که مسئله اصلی حقوقی، صرفاً این نیست که آیا هوش مصنوعی می‌تواند «شخص» تلقی شود، بلکه این است که چه کسی باید در برابر زیان ناشی از عملکرد آن پاسخگو باشد. شخصیت الکترونیکی، حتی اگر در آینده به عنوان یک نهاد حقوقی مستقل مطرح شود، نباید به ابزاری برای انتقال یا کاهش مسوولیت اشخاصی تبدیل شود که امکان طراحی، کنترل، نظارت یا کاهش خطر سامانه را داشته‌اند. از این منظر، اصل اساسی تحقیق حاضر آن است که پیشرفت خودمختاری فناوری نباید به معنای کاهش یا محو مسوولیت انسانی باشد؛ بلکه نظام حقوقی باید مسوولیت را بر اساس نقش، میزان کنترل، قابلیت پیشگیری از خطر و امکان جبران خسارت میان بازیگران زنجیره هوش مصنوعی توزیع کند.

نتیجه‌گیری

تحقیق نشان می‌دهد که در وضعیت فعلی، شخصیت الکترونیکی راه‌حل مناسبی برای مسئله مسوولیت هوش مصنوعی نیست؛ زیرا صرف اعطای عنوان «شخص» به یک سامانه هوشمند، مسئله اصلی یعنی تعیین شخص یا نهادی که باید خسارت زیان‌دیده را جبران کند، حل نمی‌کند. هوش مصنوعی کنونی فاقد دارایی مستقل، اراده اخلاقی و ظرفیت متعارف برای تحمل ضمانت اجرا است. بنابراین، انتقال مسوولیت به یک شخصیت الکترونیکی، بدون ایجاد سازوکار واقعی تأمین مالی و جبران خسارت، ممکن است به جای حل شکاف مسوولیت، موجب پنهان شدن آن شود.

از سوی دیگر، بررسی انتقادی پیشنهاد شخصیت الکترونیکی نشان می‌دهد که مهم‌ترین خطر آن، کم‌رنگ شدن مسوولیت انسانی در قبال عملکرد هوش مصنوعی است. تولیدکنندگان، توسعه‌دهندگان، مالکان، بهره‌برداران و سایر اشخاص دخیل در چرخه حیات یک سامانه هوش مصنوعی، برخلاف خود سامانه، توانایی تصمیم‌گیری، پیشگیری از خطر، کنترل فناوری و تأمین منابع لازم برای جبران خسارت را دارند. بنابراین، خودمختاری فنی هوش مصنوعی نباید به معنای انتقال مسوولیت از انسان

⁷. CHINA NATIONAL INTELLECTUAL PROPERTY ADMINISTRATION

به ماشین تلقی شود. اصل اساسی باید آن باشد که مسئولیت متناسب با میزان نقش، کنترل، قابلیت پیشگیری از خطر و انتفاع هر یک از بازیگران تعیین گردد.

تحول موضع اتحادیه اروپا؛ این تحول را می توان نشانه ای از ترجیح راهکارهای مسئولیت محور بر شخصیت بخشی به ماشین ها در وضعیت فعلی فناوری دانست.

با این حال، نتیجه این تحقیق آن نیست که شخصیت الکترونیکی در تمام شرایط و برای همیشه غیرممکن است. همان گونه که تحول تاریخی مفهوم شخصیت نشان می دهد، حقوق می تواند در مواجهه با تحولات اجتماعی و فناورانه، نهادهای حقوقی جدیدی ایجاد کند. بنابراین، اگر در آینده سامانه هایی پدید آیند که از سطح کنونی خودمختاری و قابلیت تعامل فراتر روند، امکان طرح مجدد این بحث وجود خواهد داشت. در چنین شرایطی نیز صرف شباهت رفتاری به انسان نباید معیار کافی باشد؛ بلکه باید معیارهای دقیق تری مانند تداوم هویت، استقلال عملی، قابلیت انتساب تصمیم، برخورداری از دارایی مستقل، امکان نمایندگی، قابلیت تحمل ضمانت اجرا و وجود سازوکار مؤثر جبران خسارت مورد توجه قانون گذار قرار گیرد.

در نهایت، پاسخ به پرسش اصلی تحقیق را می توان چنین بیان کرد: در وضعیت کنونی، اعطای شخصیت الکترونیکی به هوش مصنوعی نه تنها ضرورت حقوقی ندارد، بلکه در حوزه مسئولیت مدنی می تواند خطر ایجاد شکاف مسئولیتی و رقیق شدن مسئولیت انسانی را افزایش دهد. راهکار مناسب تر، حفظ محوریت مسئولیت انسانی و طراحی قواعدی است که بر اساس درجه خطر و میزان کنترل، مسئولیت تولیدکننده، توسعه دهنده، مالک، بهره بردار و کاربر را مشخص کند. در کنار آن، سازوکارهایی مانند مسئولیت متناسب، بیمه اجباری برای سامانه های پرخطر، الزامات شفافیت و ثبت، نظارت انسانی و تسهیل اثبات رابطه سببیت می تواند حمایت مؤثرتری از زیان دیدگان فراهم سازد.

دولت ها و نهادهای رسمی در سراسر جهان رویکردهای متفاوتی در قبال اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی اتخاذ کرده اند. این مواضع را می توان به طور کلی به دسته مخالف، محتاط و بازگذار (منتظر تحولات و اقتضات آینده) تقسیم کرد.

با وجود نبود مقررات صریح و اختصاصی درباره مسئولیت مدنی ناشی از هوش مصنوعی در افغانستان، می توان این مسئله را در پرتو قواعد عمومی مسئولیت مدنی در نظام حقوقی افغانستان، به عنوان مبنای رسمی حقوقی، و فقه حنفی، به عنوان منبع موضوعی و تفسیری در حدود اعتبار و قابلیت اعمال آن، بررسی کرد. بر این اساس، قواعد فقهی اتلاف، تسبیب، ضمان، تعدی و تفریط می توانند در تحلیل مسئولیت اشخاص دخیل در طراحی، توسعه، عرضه و استفاده از هوش مصنوعی مورد توجه قرار گیرند. تعیین مسئولیت در هر مورد مستلزم احراز ورود خسارت، بررسی رابطه سببیت و ارزیابی نقش، میزان کنترل و درجه تقصیر احتمالی اشخاص دخیل است. بنابراین، فقدان مقررات اختصاصی لزوماً به معنای فقدان مبنای حقوقی برای جبران خسارت نیست؛ بلکه ضرورت تفسیر قواعد عمومی و بررسی ظرفیت های فقه حنفی را برای پاسخ گویی به مسائل نوپدید هوش مصنوعی برجسته می سازد.

پیشنهاها

با توجه به نوظهور بودن فناوری هوش مصنوعی و پیچیدگی مسئولیت های ناشی از آن، اتخاذ راهکارهای حقوقی و نظارتی زیر ضروری به نظر می رسد:

۱. تدوین قانون اختصاصی: در حال حاضر به جای پرداختن به شخصیت مبهم و جنجالی الکترونیک و وضع قواعد برای آن، قواعد موجود در زمینه مسئولیت، شفافیت، و ایمنی، متناسب با ویژگی‌های هوش مصنوعی، در قالب یک قانون اختصاصی تنظیم شود. اجرای این قوانین باید تدریجی، عملی و محتاطانه باشد تا ضمن حمایت از ارزش‌های انسانی، مانعی برای فناوری، تحقیق، نوآوری و توسعه ایجاد نکند.
۲. تدوین اصول اخلاقی و چارچوب بین‌المللی: با مشارکت سازمان‌های بین‌المللی، اتحادیه‌های تخصصی و مجامع مذهبی، اصول اخلاقی و حقوقی مشترکی برای طراحی، تولید، برنامه‌نویسی و استفاده از ربات‌ها و هوش مصنوعی تدوین شود. همچنین انعقاد یک میثاق بین‌المللی می‌تواند قواعد مشترکی برای رفتار اخلاقی مهندسان، نظارت بر تحقیق‌های مرتبط و صدور مجوز برای فعالیت‌های پرخطر فراهم سازد.
۳. تعیین مسئولیت مدنی و کیفری: قواعد مشخصی برای مسئولیت مدنی و کیفری ناشی از عملکرد هوش مصنوعی وضع شود و مسئولیت تولیدکنندگان، طراحان، مالکان و کاربران بر اساس میزان نقش، تقصیر، کنترل و توانایی آنان در پیشگیری یا کاهش خطر تعیین گردد. در فعالیت‌های پرخطر نیز می‌توان از نظام مسئولیت سخت‌گیرانه استفاده کرد؛ به‌گونه‌ای که با اثبات خسارت و رابطه سببیت، مسئولیت شخص یا نهاد مرتبط قابل بررسی باشد.
۴. شخصیت الکترونیکی، در صورت پذیرش، نباید به معنای رهایی اشخاص انسانی از مسئولیت باشد؛ بلکه باید در قالب یک نظام حقوقی تکمیلی و همراه با قواعد روشن درباره مسئولیت، بیمه، جبران خسارت، نظارت و قابلیت انتساب رفتار هوش مصنوعی طراحی شود. در غیر این صورت، شخص‌انگاری هوش مصنوعی ممکن است به جای آنکه خلأ حقوقی موجود را پر کند، خود زمینه‌ساز ایجاد «شکاف مسئولیتی» جدید در نظام حقوقی شود.
۵. ثبت و کنترل ربات‌های پیشرفته: نظام جامعی برای ثبت و شناسایی ربات‌ها و سامانه‌های هوش مصنوعی پیشرفته بر اساس معیارهای دقیق ایجاد شود تا امکان نظارت و تعیین مسئولیت در صورت وقوع خسارت فراهم گردد. همچنین عملکرد این سامانه‌ها باید تا حد امکان قابل پیش‌بینی، هدایت و کنترل باشد و این اصل در مراحل تولید، به‌روزرسانی و استفاده رعایت شود.
۶. حفظ انسان‌محوری و کرامت انسانی: توسعه رباتیک و هوش مصنوعی باید بر تکمیل توانایی‌های انسانی و خدمت به بشریت متمرکز باشد، نه جایگزینی یا نابودی انسان. به ویژه در حوزه‌های حساس، از جمله روابط عاطفی و جنسی میان انسان و ربات، و حفظ عرصه‌های شغلی انسان‌ها رعایت ملاحظات اخلاقی و حقوقی ضروری است.
۷. نظارت و هماهنگی بین‌المللی: سازوکارهای نظارتی مستقل و هماهنگ بین‌المللی، با مشارکت و همکاری سازمان ملل متحد، برای تضمین کنترل انسان بر سامانه‌های هوشمند، جلوگیری از استفاده از هوش مصنوعی در جهت نقض حقوق بشر و تأمین منافع جمعی بشریت ایجاد شود.
۸. نقش افغانستان در توسعه مسئولانه: افغانستان باید در حد ظرفیت‌های علمی و اقتصادی خود، از پروژه‌های تحقیقاتی مرتبط با هوش مصنوعی حمایت کند، اصول علم باز و نوآوری اخلاقی را تقویت نماید و منابع لازم را برای بررسی ابعاد اجتماعی، اخلاقی، حقوقی و اقتصادی این فناوری اختصاص دهد؛ تا از این کاروان عقب نماند.

1. **Alexandre, Maia.** (2019). The legal status of artificially intelligent robots. *SSRN Electronic Journal*.
https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2985466.
2. **Bak, B.** (2018). Medeni hukuk açısından yapay zekânın hukuki statüsü ve yapay zekâ kullanımından doğan hukuki sorumluluk [The legal status of artificial intelligence with regard to civil law and the liability thereof]. *Türkiye Adalet Akademisi Dergisi*, 35, 211–232.
<https://dergipark.org.tr/tr/pub/taad/article/693619> (dergipark.org.tr)
3. **China National Intellectual Property Administration.** (2024, December 31). *人工智能相关发明专利申请指引 (试行)* [Guidelines for patent applications related to artificial intelligence (trial)].
https://www.cnipa.gov.cn/art/2024/12/31/art_66_196988.html (cnipa.gov.cn)
4. **European Economic and Social Committee.** (2017). Opinion of the European Economic and Social Committee on “Artificial intelligence—The consequences of artificial intelligence on the (digital) single market, production, consumption, employment and society” (2017/C 288/01). *Official Journal of the European Union*, C 288, 1–9. https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=oj:JOC_2017_288_R_0001
5. **European Parliament & Council of the European Union.** (2024). *Regulation (EU) 2024/1689 of the European Parliament and of the Council of 13 June 2024 laying down harmonised rules on artificial intelligence (Artificial Intelligence Act)*. *Official Journal of the European Union*, L, 2024/1689.
<https://eur-lex.europa.eu/eli/reg/2024/1689/oj/eng> (EUR-Lex)
6. **European Parliament.** (2017a). *Report with recommendations to the Commission on Civil Law Rules on Robotics (A8-0005/2017; 2015/2103(INL))*. https://www.europarl.europa.eu/doceo/document/A-8-2017-0005_EN.html (European Parliament)
7. **European Parliament.** (2017b). *European Parliament resolution of 16 February 2017 with recommendations to the Commission on Civil Law Rules on Robotics (2015/2103(INL))* (P8_TA(2017)0051). https://www.europarl.europa.eu/doceo/document/TA-8-2017-0051_EN.html (European Parliament)
8. **European Parliament.** (2017c). *Verbatim report of proceedings: Civil Law Rules on Robotics—Debate, Wednesday, 15 February 2017*. https://www.europarl.europa.eu/doceo/document/CRE-8-2017-02-15-ITM-014_EN.html

9. European Parliament. (2020). Artificial intelligence and civil liability. European Parliamentary Research Service.
[https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2020/621926/IPOL_STU\(2020\)621926_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2020/621926/IPOL_STU(2020)621926_EN.pdf)
10. Expert Group on Liability and New Technologies—New Technologies Formation. (2019). *Liability for artificial intelligence and other emerging digital technologies*. European Commission.
<https://doi.org/10.2838/573689>
11. Heinrichs, J.-H. (2022). Liability assignment won't solve the moral issues of artificial intelligence. *AI and Ethics*, 2, 727–736. <https://doi.org/10.1007/s43681-022-00133-z> (Springer)
12. Kara Kılıçarslan, S. (2019). Yapay zekânın hukuki statüsü ve hukuki kişiliği üzerine tartışmalar. *Yıldırım Beyazıt Hukuk Dergisi*, 2, 363–389. <https://doi.org/10.33432/ybuhukuk.599224>
13. Kim, J. (2019). A study on the necessity and implementation of electronic person for autonomous system. *Justice*, 171, p. 19 ff.
<https://kci.go.kr/kciportal/ci/sereArticleSearch/ciSereArtiView.kci?sereArticleSearchBean.artiId=ART002451633>
14. Kim, S.-Y. (2024). 생성형 AI(Generative AI)와 민법상 문제점: 법인격 또는 전자인격 부여를 중심으로 [Issues concerning generative AI and civil law: Focusing on granting legal personhood or electronic personhood]. *Yonsei Law Review*, 45, 1–28. <https://www.riss.kr/link?id=A109165241>
15. Koh, I. (2025). Is electronic personhood an effective solution to the problem of liability gap? *Philosophy, Thought and Culture*, 49, 93–116. <https://doi.org/10.33639/ptc.2025..49.005>
16. Özel, M. (2019). Yapay zekâ devrimi: Süper zekâyâ giden yol çok yakınımızda. [Süperzeka'ya Giden Yol Çok Yakınımızda! - Evrim Ağacı](#).
17. Shin, H.-T. (2018). 인공지능(AI)의 법인격-전자인격(Electronic Person) 개념에 관한 소고 [Research on the legal status of AI and the concept of electronic person]. *인권과 정의* [Human Rights and Justice], 478, 45–64. <https://doi.org/10.22999/hraj..478.201812.004>
18. Supreme People's Court of China. (2022, December 8). *Opinions on regulating and strengthening the applications of artificial intelligence in the judicial fields*.
<https://www.court.gov.cn/fabu/xiangqing/382461.html>
19. Thaler v. Vidal, 43 F.4th 1207 (Fed. Cir. 2022).

20. U.S. Copyright Office. (2025). *Copyright and artificial intelligence, Part 2: Copyrightability*.
<https://www.copyright.gov/ai/Copyright-and-Artificial-Intelligence-Part-2-Copyrightability-Report.pdf>
21. United Kingdom Government. (2022). *Establishing a pro-innovation approach to regulating AI* (CP 728).
<https://www.gov.uk/government/publications/establishing-a-pro-innovation-approach-to-regulating-ai> (GOV.UK)
22. United States Patent and Trademark Office. (2024). *Inventorship guidance for AI-assisted inventions*.
<https://www.uspto.gov/sites/default/files/documents/ai-inventorship-memo.pdf>
23. Zimmerman, E. J. (2018) 'Machine Minds, Frontiers In Legal Personhood', ssrn.com, p. 1-43.
۲۴. پژوهشکده شورای نگهبان. (۱۴۰۳، ۲۴ آذر). امکان سنجی اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی و شناسایی مسئولیت آن. پایگاه اطلاع رسانی شورای نگهبان <https://www.shora-gc.ir/00021Q>.
۲۵. رحیمی، محمد اسحق. (۱۳۹۸). مقدمه و کلیات علم حقوق. کابل: انتشارات مقصودی.
۲۶. مکی، ا. س.، مکی، ز. س.، و کشکولیان، ا. (۱۴۰۳). بررسی مسئولیت ناشی از اعمال هوش مصنوعی در نظام حقوقی ایران. فصلنامه فقه، حقوق و علوم جزا، ۹ (۳۲)، ۷۱-۷۹. <https://www.magiran.com/paper/2799036>

A Comparative and Critical Analysis of the Electronic Legal Personality of Artificial Intelligence and Its Impact on Human Liability

Abstract

The growing autonomy of artificial intelligence (AI) systems challenges traditional concepts of legal personhood, civil liability, and attribution of harm. This study examines whether granting electronic personhood to AI can resolve liability problems or instead weaken human accountability. It employs a descriptive-analytical method and a comparative legal approach, examining the European Union, Iran, the United States, and the United Kingdom. The findings show that proponents regard electronic personhood as a potential means of protecting victims, whereas opponents argue that it may obscure human responsibility, create difficulties concerning identity and accountability, and fail to ensure compensation due to AI's lack of independent assets. The comparative analysis indicates that the European Union's 2024 Artificial Intelligence Act did not establish electronic personhood as an independent legal status, instead emphasizing human oversight and accountability. The study concludes that, under current legal and technological conditions, electronic personhood is neither necessary nor sufficient to resolve AI-related liability. Rather, it may create or widen a liability gap by allowing human actors to evade responsibility. A more appropriate framework would preserve human accountability and allocate liability according to each actor's role, degree of control, and capacity to prevent foreseeable risks.

Keywords: Electronic Personhood, Legal Personhood, Civil Liability, Liability Gap, Accountability, EU AI Act.